

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۲ هـ.ق - میقات محرم)

۲۴ آذر ۸۹

خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا)

حمد و ستایش مخصوص توست ای خداوند یکتا که عدد یکتایی فقط بر تو سزاوار است. حمد و ستایش سزاوار غیر تو نباشد و حمد و ستایشی که با گردش روزگار مضاعف و با عرش با عظمت همسنگ گردد و مشتمل بر تمام حمدها و ستایش‌ها و زینده‌ی ذات کریمهات باشد و خود آن را پیایی افزونی و پیوست سازی.

بار الها بر محمد و آلش درود فرست، درودی که پایان نپذیرد و در برگیرنده‌ی درودهای فرشتگان و پیامبران و رسولان و اهل طاعت تو باشد.

شکر و سپاس پروردگار کریم را که با هدایت خود آفریده‌های خویش را از تاریکی به روشنایی راه نمود و در سر راه این ظلمتِ جهل انوار درخشان برگزیدگان خویش را قرار داد تا بتوانند هدایت واقعی و عمل پسندیده را به آدمیان عرضه کنند و برکات الهی در خلقت حضرت آدم (س) در فرزندان او به اوج رسید و بزرگترین برکات الهی را که امامت و ولایت بود را در رسالت پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی (ص) قرار داد. شکرانه‌ی این رحمت و نعمت الهی در اطاعت و فرمان‌برداری از امامت و ولایت بر همه‌ی بندگان به‌خصوص بر ما شیعیان واجب گردیده تا عزت دنیا و آخرت را کسب کنیم. چه زیبا فرمودند سرور و بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) که: عمل من در اطاعت از امامت در پنجره‌ی قلبم جاودانه شد و معنی اولی‌الامر منکم شکل گرفت و به عمل درآمد و آن عمل پذیرفته شد و اطاعت از امیر مؤمنان اطاعت از تمام فرزندان اوست، پس در خدمت آخرین فرزند مولا بودن خدمت به خود امیر مؤمنان است پس از ولی امرتان اطاعت صد درصد داشته باشید تا عبادت شما پذیرفته شود و دین شما کامل شود و اگر غیر از این باشد مسلمانی در کار نیست و تسلیم فقط یک شعار است.

شب نهم محرم شب فرقان، جدا کننده‌ی پاک و ناپاک، حق و باطل، اخلاص و سستی، دنیا و آخرت و نفاق و راستی بود و هست، چون در این شب بود که عده‌ای از حق و آخرت جدا شده به طرف ظواهر دنیا و نفسش فرار کردند و حر از دنیا و نفس به طرف حق و قیامت آمد، عمر سعد و افرادی نقاب نفاقشان را از چهره برداشته با باطل، شیطان و نفس هم‌صدا شده بر علیه حق شمشیر کشیدند و یاران با اخلاص امام عاشقانه برگزیدند حق و آخرت و رضایت الهی را و برای اثبات آن سر و دست جان خود را فدا کردند.

خواهران و برادران در این شبِ سرنوشت ساز بیایید با توجه به خطابه‌های شب‌های گذشته ما نیز حقیقتاً بدون احساس‌های زودگذر و سطحی با باور، یقین و با عمل به دستورات الهی در قرآن کریم و سفارشات چهارده معصوم مخصوصاً سرور و مولایمان و امام و ولی‌مان ابوالصالح المهدی (عج) در این شب انتخاب کنیم همچون یاران امام حسین (س) امام عصرمان را، حال برای اینکه عزم ما راسخ‌تر و دیده‌مان روشن‌تر شود خطبه‌ی شب نهم را به یاری خداوند متعال می‌خوانیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا)

امشب می‌خواهیم به سراغ دل‌های عاشقی برویم که در امواج خروشان زندگی زمینی به کشتی نجات هدایت چنگ زدند تا در امواج دریای پر تلاطم زندگی غرق نشوند، به دنیا آمدند، رشد کردند، بد و خوب را شناختند، سپس راه را انتخاب کردند، راهی که برزخ را می‌دیدند، با قیامتش محشور می‌شدند، در بهشت با بهشتیان زندگی می‌کردند و نامشان صحابه بود پس در تمام دوران زندگی‌شان آنان بودند که از انوار امامت، خورشید روزمره را فراموش می‌کردند، با طلوع صبح با انوار امامت نفس می‌کشیدند و با همان نفس می‌خوابیدند، زندگی‌شان را در کنار امامت می‌دیدند و مرگشان را در دوری از راه امام، آیا آنها افسانه بودند یا حقیقتی که روی زمین عمری را گذراندند؟ پس تفاوتشان با کسانی که هر روز شاهد انوار حق بودند ولی طبق

فرموده‌ی قرآن کریم: نابینا و بینا برابر نیستند، آنان نابینا بودند، کوری که توان شنیدن هم ندارد و گنگ است، فقط با کمک عصا راه می‌رود نمی‌داند در مقابلش چیست و پشت سرش چه اتفاقی می‌افتد.

می‌خواهیم همگی برای عاشورائیان در شب عاشورا عزاداری کنیم. آیا توانستیم با رهنمودهای شب‌های گذشته آماده باشیم تا باطل‌های وجودی‌مان را در معرض نهیب امام و سرورمان حضرت ابا عبدالله (س) قرار بدهیم و شجاعانه اعلام کنیم حسین جان، شمشیر کشیده، آماده‌ایم تا یک‌بار دیگر با ندایی که از سینه‌ی مجروحمان به عرش بالا می‌رود بگوییم، امر به معروف و نهی از منکران را اطاعت کردیم، شما ما را امر فرمودید اگر دین ندارید آزاده باشید حتی برای بی‌دینان اسارت را نپسندیده و آزادگی را فرمان دادید کدام آزادگی؟ آیا آزاد بودن در بی‌دینی چطور معنا می‌شود؟ کسی که پایبند دین نیست قانونی ندارد که به آن اعتقادی داشته باشد پس آزادگی در فرومایگی قابل درک نیست مگر گوش‌هایی که هنوز روزنه‌ای برایشان باقی مانده و با ندای ملکوتی امام فطرتشان بیدار می‌شود و به خود می‌آیند، آیا می‌توانند از خوی حیوانی خود جدا شوند؟ اگر نتوانند پس طبق فرموده‌ی قرآن کریم پست‌تر از حیوان و بی‌قانون‌تر از آن خواهند بود صورتی انسانی و سیرتی سیاه و تباه، سیرتی که امام قادر به دیدن آن است و با آن ندا آنان را به فطرتشان می‌خواند. افسوس که هرگز جبری در عقل مداخله نمی‌کند و اختیاری از کسی سلب نمی‌شود، مختار است یا به‌طرف ضلالت برود و یا سعادت، باید راه را خود انتخاب کند، طبق فرموده‌ی قرآن کریم: بد و خوبش به او الهام شده، اگر الهامات خود را نکشته باشد می‌تواند آزاده باشد و انسان‌های دیگر را مانند درندگان مورد حمله قرار ندهد و افسوس که شاهدیم که نه تنها در غیبت ظاهری امامان دچار بی‌دینی شده‌ایم بلکه مانند درندگان به مال و جان و ناموس دیگران رحم نمی‌کنیم و آن‌چنان در تباهی نفس به دور گوساله‌ی دروغین وجودمان می‌چرخیم که آزادگی هم برایمان فراموش شده.

محرم با رهنمودهای خودش همواره انقلابِ انسان بودن را در مکتبش تدریس نموده و دل‌های مرده را با ضربه‌ای آن‌چنان احیا نموده که داستانی شده عبرت آموز، پس در

شب عاشورا باید عاشورا به پا کنیم و در خانه‌ی مولایمان حضرتش را به عزاداری‌مان بخوانیم و با صدایی که ناله است نه خروش بگوییم: یابن الحسن ناتوانیم، مانند کودکی که به دامان مادر می‌چسبد تا در ناشناخته‌ها گم نشود به دامان پر مهرتان چنگ زده ایم تا در این زمانِ سرگردانی ما را یاری کنید که ندای سرورمان را به گوش جان بشنویم که فرمودند: من از مدینه حرکت کردم تا دین جدم را احیا کنم، ما احیاگران دین رسول خدا هستیم، آیا دست‌انمان را می‌گیرید تا خود را احیا کنیم؟ مردگان خفته در گور زمان را با حقیقت وجود مبارکتان به زندگانی مجددی برگردانیم تا مانند قاسم بن الحسن مقابلتان بنشینیم و بگوییم: مرگ در ذائقه‌ی ما از عسل شیرین‌تر است پس ما با مرگی می‌میریم که از جهل باشد و با مرگی زنده می‌شویم که با توجهات شما مولا و سرورمان جزو عاشورائیان سال ۶۱ هجری تیره‌های بلا را مانند بهترین سوغات ملکوت به جان بخریم و شادمان منتظر دولت حقه باشیم که شکر پروردگار کریم را که در زمانه‌ی جهل ما را از روشنایی راه امامت محروم نفرمود تا با چراغ هدایتشان دینمان را بشناسیم و با عاشقان شب عاشورا فریاد بزنیم: ای حسین جان، اگر صد بار کشته شویم و خاکسترمان به باد رود و باز زنده شویم و باز کشته شویم عاشق و بی‌قرار شما هستیم، پس ما را دریابید تا بر سر و سینه زنیم، از فراق شما بگرییم و جگرمان را زخم بزنیم تا مرهمی باشد بر زخم دل مبارکتان، جان عالم به فدای خون گلویی که همواره در جوش و خروش است و زمان بی‌قرار بر سینه می‌کوبد تا باطل برود و دولت حقه بیاید و انتقام باطل را با برقراری حق بستاند، پس فریاد می‌زنیم: یا منتقم یابن الحسن، یا منتقم یابن الحسن.

اللهم عجل لولیک الفرج